

# آمریکا به مراکز نظامی راه نخواهد یافت

صفحه ۲



# ردپای ترامپ در جنگ سری العوامیه

صفحه ۱۵

## حسن روحانی در مراسم تحلیف در انتقاد از قانون تحریم های جدید آمریکا علیه ایران:

# امروز روزگار مادر تحریم ها نیست

صفحه ۵



عکس: محمدحسین زاده میروان

## رستم و سهراب اقتصاد

زهرا طباطبائی

کاشی و سنگ های زینتی و کارخانجات نساجی و تولید قند و شکر و فولاد و کشتی سازی و صنایع وابسته در دولت یازدهم ورشکسته شد. بنا بر آمار اعلام شده توسط مسعود نیلی، مشاور اقتصادی رئیس جمهور، در ۲ سال پس از توافقات هسته ای بیش از ۸۰۰ هزار نفر در کشور بیکار شده اند. بیکاری مردم به دنبال عدم حمایت دولت از زیرساخت صنایع تولیدی کشور در حالی رخ داده که در ۲ سال اخیر دولت از فروش نفت درآمدی معادل ۵۰ میلیارد دلار کسب کرده است! این یعنی درآمد کشور صرف حمایت از اقتصاد مقاومتی نشده و برنامه دولت در جهت تقویت تولیدکننده نبوده است. به این نمونه ها توجه کنید:

۲۹ درصد گاو داری های صنعتی رسما در سال ۹۵ تعطیل شدند و باقی نیز با ظرفیت پایین تولید را در شرایط رکود ادامه دادند. شیر دامداران را از ۹۰۰ تا ۱۰۵۰ تومان خریداری می کنند و کارخانه زمانی که باب میل و در توانش باشد پول دامدار را به صورت چک های چند ماهه پرداخت می کند اما وارد کنندگان نهادهای دامی پول خود را از دامداران به دلیل عدم ثبات در گاو داری ها به صورت نقد دریافت می کنند. ادامه این روند سبب ورشکستگی حداقل ۹۰ درصد دامداران می شود.

**تولید یا مصرف؟**  
دولت از برجام تا اینجای کار به عنوان ابزار برپایی سیاست «ریاضت اقتصادی» استفاده کرده است. سیاست دولت یازدهم این بود که درآمد حاصل از فروش بیشتر نفت و گاز را به عنوان تخفیف تصاحب بازار ایران، در اختیار شرکت های اروپایی و انگلیسی قرار دهد تا با «اقتصاد سیاسی»، جذابیت های حفظ «برجام» را در حوزه سیاست خارجی افزایش دهد.

این وضعیت نامش هر چه باشد «اقتصاد مقاومتی» نیست و ادامه آن به قوی شدن زیرساخت تولیدی کشور منجر نمی شود. درست تر این است که بگوییم ادامه برنامه «ریاضت اقتصادی» همزمان با «پیلماسی اقتصادی» دولت است. به حکم دولت، پیشخور کرده و نسبت به گذشته - چه قدرت محاسبه داشته باشد و چه ناتوان از محاسبات اقتصادی باشد- «فقیر تر» شده است. این روند با آمار واردات نیز همخوانی دارد. طبق آمار گمرک جمهوری اسلامی، در ۹ ماه ابتدایی سال ۹۵ میزان واردات ایران بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار یعنی کمی بیش از درآمدهای نفتی اعلام شده که از این میزان حدود ۷ میلیارد دلار سهم محصولات غذایی بوده است.

ادامه در صفحه ۵

سال ۹۵ افزایش یافته است. ۳- تولید که بی صافه شود، واسطه گری و مشاغل فاقد ارزش اقتصادی رشد و توسعه می یابند. همزمانی عقد برجام و اجرای سیاست اقتصادی نوکیزی به واسطه ایجاد بازار آزاد و رها کردن کشور در دست دلان خارجی و داخلی بر عمق فاجعه افزود! بخشی از بیکاری فزاینده ۴ ساله که گذشت حاصل رقابت بخش تولیدی کشور با شرکت های چندملیتی بود که در پسابرجام پای شان به ایران باز شد. سیاست درهای باز، رقابتی غیرمعقول در بخشی از اقتصاد کشور ایجاد کرد که پیش تر در آن به خود کفایی رسیده بودیم و از آن تولید کنندگان امروز شرکت چندملیتی «دنون» فرانسه با «کاله» و «پگاه» ایرانی بر سر تصاحب بازار خودی رقابت می کند. «تاز» و «تولی پرس» و باقی برندهای ایرانی با «ومو»، «پرسیل» و «یونیلیور» وارد جنگی نابرابر شده اند و آپارات نیز بزودی با رفع فیلتر یوتیوب به مشکل برخورد خواهد کرد. بخش قابل توجهی از استارت آپ های خدماتی نیز در میانه بی صافی بازار از آن شرکت های چندملیتی خارجی شده است.

**تولید یا مصرف؟**  
دولت از برجام تا اینجای کار به عنوان ابزار برپایی سیاست «ریاضت اقتصادی» استفاده کرده است. سیاست دولت یازدهم این بود که درآمد حاصل از فروش بیشتر نفت و گاز را به عنوان تخفیف تصاحب بازار ایران، در اختیار شرکت های اروپایی و انگلیسی قرار دهد تا با «اقتصاد سیاسی»، جذابیت های حفظ «برجام» را در حوزه سیاست خارجی افزایش دهد.

این وضعیت نامش هر چه باشد «اقتصاد مقاومتی» نیست و ادامه آن به قوی شدن زیرساخت تولیدی کشور منجر نمی شود. درست تر این است که بگوییم ادامه برنامه «ریاضت اقتصادی» همزمان با «پیلماسی اقتصادی» دولت است. به حکم دولت، پیشخور کرده و نسبت به گذشته - چه قدرت محاسبه داشته باشد و چه ناتوان از محاسبات اقتصادی باشد- «فقیر تر» شده است. این روند با آمار واردات نیز همخوانی دارد. طبق آمار گمرک جمهوری اسلامی، در ۹ ماه ابتدایی سال ۹۵ میزان واردات ایران بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار یعنی کمی بیش از درآمدهای نفتی اعلام شده که از این میزان حدود ۷ میلیارد دلار سهم محصولات غذایی بوده است.

ادامه در صفحه ۵

**یادداشت امروز**  
مراسم تنفیذ و تحلیف منتخب دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به میمنت و مبارکی به پایان رسید و از امروز «حسن روحانی» برای دوره دوم سکان اداره کشور را به دست می گیرد. آن را عقب رانده و توانایی آنها را در تولید سلاح هسته ای مهار کنیم و از عناصری در داخل ایران حمایت کنیم که منجر به انتقال مسالمت آمیز حکومت شود و البته همان طور که می دانیم، آن عناصر حضور دارند.

اظهارات تیلرسون را باید مکمل خبری دانست که هفته قبل از آن، روزنامه نیویورک تایمز مبتنی بر اقدام سازمان سیا برای انتخاب یکی از نیروهای با سابقه این سازمان به نام «مایکل دی اندرا» برای «دفتر امور ایران» گزارش کرده بود. بر مبنای این گزارش و اعلام برخی مقامات شورای امنیت ملی کاخ سفید، مأموریت این دفتر، پیشبرد سیاست آمریکا برای تغییر نظام ایران است.

حساب کردن وزیر خارجه آمریکا روی جماعت داخلی که با آمریکایی ها در تغییر رژیم جمهوری اسلامی همکاری دارند، ایجاد دفتر امور ایران و انتصاب دی اندرا به ریاست آن و تصویب قانون جامع تحریمی اخیر ضد ایران که کارکرد آن خودتحریمی و ایجاد دوقطبی در ایران است، همگی را باید در یک بسته دید، بسته و راهبردی به درستی روی برخی عوامل داخلی مستحکم و پوتین در خروجار باشد و اقدام مجلس ایران در عین برخورداری از اقدامی محکم و باصلابت با اکثریتی قاطع تصویب و حمایت شود.

**ریاضت کافیست!**  
دولت تدبیر و امید در دوره نخست اداره کشور در کنترل تورم به دلیل اجرای سیاست «ریاضت اقتصادی» نوکیزی موفق بود اما مومنین به سیاست نوکیزی چگونه تورم را پایین نگاه داشتند؟ ایجاد رکود حداکثری برای کنترل تورم همزمان با افزایش مالیات، مطابق تئوری مکتوب آقای رئیس جمهور و لیبرال- سرمایه داران حامی دولت یازدهم نتایج ذیل را به دنبال داشت:

۱- ورشکستگی بخشی از صنایع کوچک و بزرگ به علت دوام همزمان رکود و تورم و افزایش سرسام آور هزینه های تولید از نتایج اجرای برنامه ریاضت اقتصادی است.

۲- با کاهش درآمد ناشی از تلاش کارگران و صنعتگران، کسری بودجه افزایش می یابد و دولت ناگزیر از افزایش مالیات دریافتی دولت از مردم در دوره رکود و کاهش شدید تولید می شود. این یعنی کشور با گران کردن زندگی مردم که انطباق کامل با سیاست های نوکیزی دارد. دقیقا به همین دلیل است که دولت یازدهم در مجموعه دستاوردهای خود، افزایش مالیات ها را نیز فهرست کرده که با توجه به افزایش میزان قاچاق، به معنای اعمال فشار بیشتر بر اقشار خاصی از جامعه است که متمول نیستند اما راهی هم برای فرار از پرداخت مالیات ندارند. بر اساس اطلاعات وزارت اقتصاد، درآمد مالیاتی دولت از ۲۹ هزار میلیارد تومان در سال ۹۱ به ۱۰۳ هزار میلیارد تومان در

## ویروس اچ آر ۳۳۶۴

ماشاءالله ذراتی

آمریکا که در خارج از مرزهای ایران در جبهه ها و رویارویی های متعدد منطقه ای میدان را به بازوان پرتوان جمهوری اسلامی واگذار کرده به این فکر افتاد تا با طراحی نسل جدیدتری از تحریم های هوشمند بنده تصمیم گیر و همچنین افکار عمومی ایران را با ابتلا به بیماری خودایمنی، به نوعی به سمت «خودتحریمی» سوق دهد.

در اختلال «خودتحریمی» قسمتی از بنده تصمیم گیر و افکار عمومی در یک «اشتباه محاسباتی» چنین تصور خواهند کرد که ریشه و علت اصلی باقی ماندن تحریم ها و مشکلات اقتصادی نه بدعهدی های آمریکا، بلکه ناشی از عملکرد برخی نهادها یا ارگان های خاص است! البته نباید از نظر دور داشت که اقدام اولیه تزریق ویروس «خودتحریمی» شهرپرور سال گذشته رقم خورد و بانک های داخلی با اجرای FATF خودتحریمی را کلید زدند!

اما راهکار و راه حل درمان بیماری خودایمنی که در قالب خودتحریمی خود را نشان می دهد، چیست؟ آن گونه که نمایندگان مجلس آمریکا متحدان اعم از دموکرات و جمهوری خواه با ۴۱۹ رأی موافق و تنها ۳ رأی مخالف و سپس مجلس سنا با ۹۸ رأی موافق و تنها ۲ رأی مخالف به قانون تحریم های رأی دادند، انتظار می رود پاسخ مجلس شورای اسلامی نیز متقابلا از چنین مستحکم و صلابتی برخوردار باشد و اقدام مجلس ایران در عین برخورداری از اقدامی محکم و باصلابت با اکثریتی قاطع تصویب و حمایت شود.

ایالات متحده باید به این باور و تشخیص برسد که حفظ برجام به هر قیمتی در دستور کار حاکمیت ایران از جمله دولت و بنیان برجام نبوده و صبر و شکیبایی ایران نیز حدی دارد. باید پوتین در اخراج ۷۵۵ دیپلمات آمریکایی از آن کشور به نوعی سرمشق و الهام بخش برای برخی مسؤولان ما باشد!

از منظری دیگر فراموش نکنیم رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا ۲۴ خردادماه تأکید کرد آمریکا از عناصر داخلی ایران برای تغییر نظام حمایت می کند.

او که این اظهارات را در جلسه استماع با موضوع بحث درباره بودجه سال ۲۰۱۸ وزارت

استفاده از تمثیلات و الگوهای زیستی و پزشکی یکی از شیوه های جامعه شناسان در تبیین و تحلیل پدیده های اجتماعی و جامعه شناسی است. در این یادداشت با استفاده از اختلالی زیستی با نام «خودایمنی» به بررسی یکی از وجوه چندگانه تحریم های اخیر آمریکا که عبارت از «خودتحریمی» است، می پردازیم.

اختلال خودایمنی را چنین می توان تعریف کرد: سلول های دستگاه ایمنی بدن در یک فرد، گاهی و به دلایل گوناگون ممکن است نتواند برخی مواد و اجزای بدن فرد را از عامل بیماری زای خارجی تشخیص دهد از این رو نسبت به بافت های خودی حساس شده و ضد آنها وارد عمل می شود. نتیجه این تقابل که در نتیجه «اشتباه محاسباتی» سلول ها رخ می دهد بیماری خودایمنی یا حساسیت خودی نامیده می شود. به عبارت ساده بیماری خودایمنی یعنی حمله دستگاه ایمنی بدن به خود بدن! به عنوان مثال بیماری معروف ام اس از جمله بیماری هایی است که منشأ آن اختلال خودایمنی است.

تحریم های اخیر که پس از مجلس نمایندگان در مجلس سنا با کد اچ آر ۳۳۶۴ (HR3364) و حمایت قاطع دوجزبی به تصویب رسید، کارکردهای چندگانه و مختلفی دارد که یکی از مهم ترین جنبه های آن کارکرد ویروس گونه این تحریم ها است. ویروسی که ماهیت و وظیفه اصلی آن مبتلا کردن جمهوری اسلامی ایران به بیماری خودایمنی است! قاعدتاً برای طراحی چنین ویروسی با این کارکرد خاص و پیچیده، نسل جدید تحریم های هوشمند پسابرجامی نیز پیچیده و ماهرانه تدوین و وضع می شود.

دستگاه ها و نهاد های مختلفی هدف تحریم های اخیر آمریکا قرار گرفته اند. تحریم های اخیر در بندهای ۵، ۴ و ۶ بخش سوم متن قانون تحریمی به طور خاص فعالیت های دفاعی مشروع ایران را در زمینه موشکی، سایبری و بیولوژیک و شیمیایی هدف قرار می دهد و تلاش می کند با ارزیابی توانایی های بومی ایران، مانع رشد و ارتقای آنها شود. این طرح همچنین بر ضرورت تخریب و تضعیف روابط ایران و متحدانش، بویژه سوریه و عراق تأکید و سعی دارد کانال های ارتباطی مختلف ایران با کشورهای یاد شده را مسدود کند. همچنین تحریم های کنگره، به دنبال قطع ارتباط ایران با محور مقاومت در فلسطین و لبنان (به طور خاص حماس و حزب الله) بوده و حمایت ایران از گروه های عراقی و انصار الله یمن را محکوم می کند.

دشمن تا زمانی که صدای واحدی از ایران نشنود و عزم راسخی در مقابله با بی عهدی ها و نقض برجام نبیند به راهبرد تحریم ادامه خواهد داد، راهبردی که نسل جدید آن در پی ایجاد گونه ای از دوقطبی «سلازش با هر هزینه ای» و «مقاومت مبتنی بر عقلایت» در جامعه دارد. متأسفانه مرور تیکر یک روزنامه های کشور در فردای تصویب تحریم های اخیر و سکوت یا گذر آرام برخی روزنامه ها از کنار این بدعهدی بزرگ آمریکا و نقض صریح برجام نشان می دهد دشمن به درستی روی برخی عوامل داخلی مستحکم است! اینها همان بافت های هستند که با تزریق ویروس خودایمنی آمریکا از طریق تحریم های اخیر دچار اشتباه محاسباتی شده و با حمایت از خودتحریمی، اختلال خودایمنی را رقم می زنند. باید منتظر ماند و دید شاگرد تبتیل های مکتبخانه برجام که اهل درس آموزی و عبرت گیری از برجام نیستند بالاخره واقعیت های موجود را خواهند دید یا کماکان بر کوس «سلازش های هزینه بر» خواهند کوفت!